

سرسخن

به سوی اشتراک داده های پژوهشی و یکپارچگی نظامهای مدیریت پژوهش

دانشگاههای امروز به پژوهش و سرمایه‌گذاری در این عرصه توجه عمده‌ای می‌کنند. آنها این عرصه را عرصه گسترده‌ای برای تولید دانش و تولید ثروت یافته‌اند. همچون دانشگاه‌ها، بسیاری از سازمانهای دولتی (بویژه وزارتخانه‌ها و مراکز پژوهشی) اقدام به اجرای طرح‌های گوناگون پژوهشی و بهره‌گیری از نتایج آنها می‌کنند. برونداد همه این فعالیت‌ها، تولید حجم عظیمی از داده‌ها و اطلاعات پژوهشی است که می‌تواند در برنامه ریزی، پیاده‌سازی برنامه‌ها، و ارزیابی نتایج برنامه‌ها در سطوح ملی، استانی و محلی مورد استفاده قرار گیرد. آشکار است که می‌توان از این داده‌ها فراتر از هدف اولیه سازمانی استفاده کرد. به بیان دیگر، بخش عظیمی از داده‌های پژوهشی می‌تواند در سایر موارد، چه برای تعریف طرح‌های جدید و جلوگیری از تکرار و همپوشانی، و چه برای کاربرد در زمینه‌های دیگر مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، داده‌های پژوهشی از ارزش افزوده بالایی برخوردارند.

درعین حال، مسئله اساسی آنست که دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، سازمان‌ها و پژوهشگران چگونه از وجود این حجم بزرگ داده‌ها آگاه شوند و از چه راه‌هایی به آنها دسترسی یابند؟ با توجه به ساختار سازمان‌ها در ایران و ذهنیت مدیران، چه موانعی در این زمینه مطرح هستند و چگونه می‌توان بر آنها فائق آمد؟ آشکار است که نظیر چنین مسئله‌ای در سایر کشورها نیز وجود دارد اما برخی از آنها توانسته‌اند در سطح ملی، طرح‌هایی را برای مدیریت و اشتراک داده‌های پژوهشی اجرا کنند تا کمتر مشکلی در این راستا در برابر پژوهشگران قرار گیرد.

برای عملی شدن اشتراک داده‌های پژوهشی، نخستین گام را می‌توان در استانداردسازی سامانه‌های مدیریت پژوهشی در دانشگاه‌ها و سایر سازمانها برداشت. آشکار

است که وجود انواع فرمت‌ها و استانداردهای ناهمخوان در ثبت و مدیریت طرح‌های پژوهشی یک مانع بزرگ به شمار می‌آید. در این زمینه، لازم است با استفاده از استانداردهای جهانی و ملی و بویژه استانداردهای فراداده‌ای و میانکنش پذیری، نسبت به همخوان‌سازی و تسهیل تبادل داده‌ها و اطلاعات گزارش طرح‌ها تلاش کرد. راه اندازی سامانه‌های ملی برای ثبت پیشنهادها و گزارش‌های پژوهشی در واقع یک اقدام عملی در این راستاست. برای نمونه، راه اندازی سامانه پایان نامه‌ها در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات می‌تواند یک الگوی مطلوب به شمار آید. افزون بر اطلاعات پایان نامه‌ها، ما به اطلاعات طرح‌های پژوهشی که در وزارتخانه‌ها و پژوهشگاه‌ها اجرا شده و یا در دست اجراست نیاز داریم. این یک اقدام بزرگ و مهم ملی است که هنوز نتوانسته‌ایم آن را آغاز کنیم.

در دومین گام، می‌توان دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مجریان پایان نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی را بر آن داشت و ملزم نمود که نه تنها فایل پیشنهاد و گزارش نهایی پایان نامه‌ها و طرح‌ها، بلکه فایل داده‌های مرتبط با پژوهش‌ها (از جمله داده‌های آماری) را در قالبی استاندارد و قابل تبادل در سامانه مدیریت پژوهش قرار داد تا به سادگی قابل دسترس باشد. آشکار است که دسترسی به این سامانه و بهره‌گیری از آن باید مدیریت شده باشد زیرا امکان دارد برخی داده‌ها جنبه عام نداشته و استفاده از آنها محرمانه تلقی شود. آشکار است که در این زمینه تجربه‌ای نداریم و ممکن است با چالش‌های فنی، اجرایی، و حقوقی مواجه شویم اما تجربه برخی کشورهای دیگر می‌تواند در این مورد راهگشا باشد.

سومین گام، تکمیل و توسعه قابلیت‌های گوناگون این سامانه در جهت رؤیت پذیری و استفاده پذیری است. در این زمینه لازم است از آخرین دستاوردهای فناوری اطلاعات (جستجوهای پیشرفته، جستجوی معنایی، اصطلاحنامه‌ای و مانند آن‌ها) استفاده نمود. در این راستا، تجربه و دانش متخصصان علوم رایانه و نیز متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی راهگشاست.

سرانجام آنکه دولت، دانشگاه‌ها و همه نهادها و مراکز پژوهشی باید به منظور جلوگیری از صرف هزینه‌های تکراری در پژوهش و فراهم کردن بستر اجرایی برای اشتراک داده‌های پژوهشی و ایجاد یکپارچگی در سامانه‌های مدیریت پژوهش، توجه جدی و اقدام عملی نمایند. اختصاص درصدی از بودجه پژوهشی این دستگاه‌ها برای اجرای چنین طرحی می‌تواند از هدر رفتن بخش قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌ها جلوگیری کند.

رحمت الله فتاحی^۱
معلم علم اطلاعات و دانش‌شناسی
دانشگاه فردوسی مشهد

۱. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد. پست الکترونیکی: fattahi@um.ac.ir